



ارز دولتی بگیرید!

همکارمان آذر مهاجر در همین شماره، گزارش مبسوطی رفته راجع به وضعیت کارخانه‌های کاغذ در ایران که چه وضعی دارند و الان در چه وضعیتی هستند و قس علی هذا! اجمالا اگر طالب یک گزارش مشروح هستید بروید صفحه ۱۰ ولی ما هم اینجا به قدر وسع همین ستون اشاراتی داریم به کاغذ.

خبر رسیده که معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از تداوم عرضه کاغذ به ناشران بعد از برگزاری سی و دومین نمایشگاه کتاب تهران خبر داده. به گزارش جام‌جم، محسن جوادی با اعلام این خبر گفته که عرضه کاغذ برای انتشار کتاب به ناشران در سال ۹۸ هم به روال سال گذشته ادامه داشته و این روند حتی در روزهای برگزاری نمایشگاه کتاب تهران هم انجام شد.

اگر در روزهای نمایشگاه کتاب گذرتان به نمایشگاه افتاده باشد یا این روزها سراغی از کتابفروشی‌ها گرفته باشید احتمالا در جریان هستید که وضعیت ناپایدار بازار



کاغذ، تاثیرش را روی قیمت پشت جلد کتاب گذاشته است. آقای معاون در ادامه صحبت‌هایشان به این هم اشاره کرده‌اند که عرضه کاغذ به ناشران در روزهای بعد از نمایشگاه هم تداوم داشت و هیچ‌گونه وقفه‌ای در کار پیش نیامده تا ناشران بتوانند در این حوزه با مشکل کمتری به تولید و انتشار کتاب بپردازند.

این که این کارها چه تاثیری در قیمت کتاب خواهد داشت را باید منتظر ماند و دید. دکتر جوادی با اشاره به تاثیر عرضه کاغذ با ارز دولتی در عرضه نشر هم گفته که بسیاری از ناشران حرفه‌ای و فعال کشور توانستند با استفاده از کاغذ با ارز دولتی به فعالیت خود ادامه دهند چنانکه در بازدید مسوولان از نمایشگاه کتاب تهران این نکته توسط ناشران مورد اشاره قرار گرفت.

معاون امور فرهنگی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی همچنین درباره روند عرضه و توزیع کاغذ در حوزه نشر توضیح داد: عرضه و توزیع کاغذ مربوط به این حوزه توسط صنف نشر انجام می‌شود، به این صورت که ناشران متقاضی، درخواست خود را در سامانه‌ای که به این منظور تعریف شده وارد می‌کنند و پس از بررسی در صورت تایید کاغذ مورد نیاز به ناشر تحویل داده می‌شود.

راستش ما هم مثل شما امیدواریم که این التهاب و تلاطم فعلی بازار کاغذ آرام بگیرد تا هم ما مطبوعاتی‌ها هم ناشران و هم جامعه کتاب‌خوان و روزنامه‌خوان، روزهای بهتر و امیدبخش‌تری را پیش رو داشته باشیم.

ساسی‌نامه

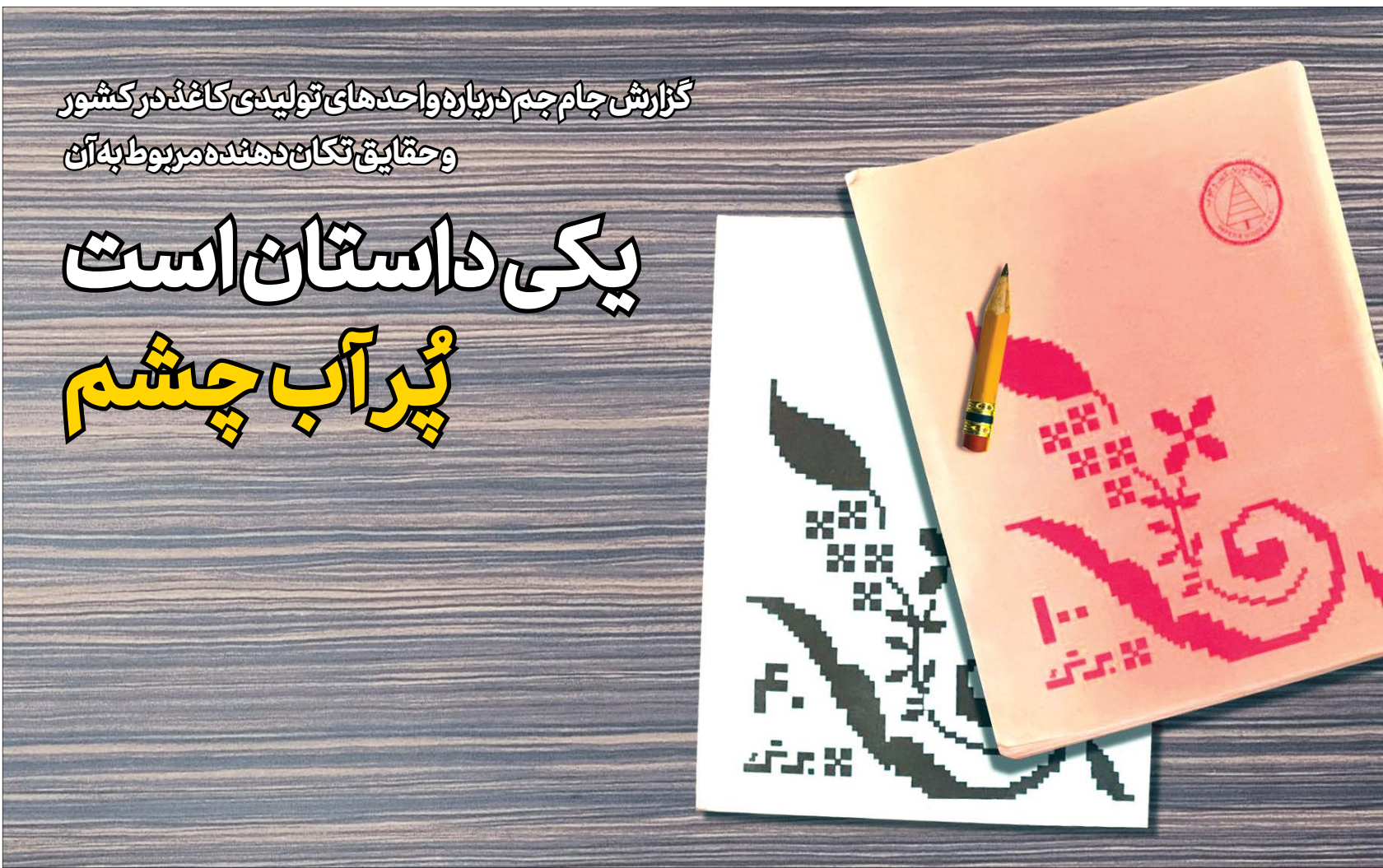
بعضی آدم‌ها هستند که بود و نبودشان خیلی فرقی به حال بقیه ندارد. به عبارت بهتر، این که باشند یا نباشند خیلی تاثیر محیطی ندارند، ولی خب اجمالا همه بچه‌های فرهنگی به‌طور اعم و صابرالدوله محمدی به‌طور اخص مشمول این قاعده نیستند. همین که هرکسی از راه می‌رسید سراغ محمدی را می‌گرفت نشانه‌ای است که بودن و نبودن محمدی با هم یکسان نیست! صابر خان به دلایلی دیروز جنگی آمده و رفته بود، ولی کیش را جا گذاشته بودا جایش اما پر شدنی نبود!

و اما بعد... زینب مرتضایی‌فرد که علاقه وافرش به همسایه شرقی و فرهنگ‌شان حالا دیگر در تحریریه زبازند شده و سفر به افغانستان را به تور اروپا ترجیح می‌دهد، دیروز مطلع شد یکی از مسوولان فرهنگی بلندپایه مملکت، تعدادی از فعالان فرهنگی افغانستانی ساکن ایران را دعوت کرده و ضمن صرف افطار به گپ و گفت با آنها نشست. همین هم شد که مرتضایی‌فرد فی‌المجلس برود سراغ بعضی‌شان و جیک و پوک دیدار ماه رمضان رئیس سازمان تبلیغات اسلامی را در بیاورد. گزارش مرتضایی‌فرد را در همین صفحه و کنار همین ستون نوش جان کنید.

آذر مهاجر هم تا قیمت کاغذ را پایین نیاورد و سلاطین کاغذ و واردات‌چی‌ها را بیچاره نکنند، ول‌کن سوزه نیست. مهاجر که این سوزه را کتکرات برداشته و حسابی هم نسبت به پیگیری خبرهایش حساسیت به خرج می‌دهد، امروز رفته سراغ این‌که ببیند اصولا چند کارخانه کاغذ داریم و این کارخانه‌ها با خودشان چند چند هستند. مهاجر البته سراغی هم گرفته از یک نوستالژی قدیمی: دفتر مشق‌های کاغذ پارس را که پادشاهان مهاجر رفته رفته سریع مدیرعامل این کارخانه و یک آمار اجمالی از وضعیت این کارخانه گرفته. بروید صفحه ۱۰.

میثم‌خان اسماعیلی هم که از دیار کاشان تبعید شده وسط دود و دم پایتخت همیشه پرداخت‌های خوبی دارد. اسماعیلی هم که مثل خیلی از شماها این کلیپ جنتمن دانش‌آموزها را دید، امروز رفته سراغ یکی دو شاعر و نظر این حضرات را راجع به اشعار ترانه‌هایی که ساسی‌مانکن می‌خواند، پرسیده تا یک ارزیابی کلی از کیفیت ادبی و فنی اشعار جناب ساسی داشته باشد. یکی از شعرا عضو شورای شعر و ترانه وزارت ارشاد هم هست! ورق بزنید صفحه ۱۱!

در نهایت هم خبرنگار سینمایی گروه، ساناز قنبری... این زبان روسی‌بلد و این علاقه‌مند به تاریخ و سفر ولی افتاده در حوزه سینما، رفته سراغ یکی از فیلم‌های شریف این روزهای سینما که در نهایت بعد از چند سال کش و قوس رفته روی پرده اکران. گمت وگوی قنبری با کارگردان «به دنیا آمدن» را هم در صفحه ۱۱ بخوانید!



گزارش جام‌جم درباره واحدهای تولیدی کاغذ در کشور
و حقایق تکان‌دهنده مربوط به آن

یکی داستان است
پُر آب چشم

محمد سرور رجایی، شاعر افغانستانی از جزئیات ضیافت افطار رئیس سازمان تبلیغات با فعالان فرهنگی افغان می‌گوید:

انتخاب اول و آخرم ایران است

محمد سرور رجایی سال‌هاست ساکن ایران است و در عرصه ادبیات فعالیت می‌کند. او و جمعی از فرهیختگان مهاجر مقیم ایران عصر یکشنبه با حجت‌الاسلام قمی، رئیس سازمان تبلیغات دیدار کردند تا در نتیجه این هم‌اندیشی بتوانند شرایط فرهنگی بهتری برای مهاجران فراهم کنند. اتفاقی که نوید یک آینده فرهنگی‌تر را بین ما و نخبگان فرهنگی همسایه شرقی می‌دهد. با رجایی صحبت کردیم تا ببینیم نتایج این دیدار چه بوده است.



زینب مرتضایی‌فرد
ادبیات و هنر

در دیدارتان با رئیس سازمان تبلیغات اسلامی چه گذشت و به نظرتان چه تاپنجی خواهد داشت؟

دیدار صمیمانه خیلی خوبی بود و به نظر طی سال‌های گذشته اولین بار بود که چنین فرصتی پیش آمد تا بنشینیم و از نیازهای فرهنگی مهاجران حرف بزنیم. صحبت‌های بسیار خوبی انجام شد. هم آقای قمی نکات مهمی را مطرح کردند و هم حاضران که همه از فعالان فرهنگی مهاجر هستند، مسائلی را که برای انجام همکاری‌های دوطرفه لازم بود بیان کردند.

بیشتر چه نوع فعالیت‌هایی مد نظر حاضران بود؟

در این نشست هم‌اندیشی بیشتر مساله بر سر این بود که چرا فعالیت‌های فرهنگی مورد نیاز مهاجران با چالش‌هایی روبه‌روست و چگونه می‌توان آن را روی روال انداخت. آقایان محمدکاظم کاظمی، سیدفضل‌ا... قدسی، محمدابراهیم شریعتی، دکتر امیری، خانم دکتر موسوی‌فرد و دیگر حاضران هر کسی براساس نیازهای اجتماعی و فرهنگی

فرهنگی در ایران ممنوعیتی هم داشته اید؟

اتفاقا یکی از درخواست‌های دوستانمان دیروز در همین ارتباط بود. خیلی این اتفاق افتاده که نمایشگاه یا کنسرتی داشتیم و تمام مقدمات برگزاری آن انجام شده، اما قبل از انجام کار جلویش گرفته شده است. هر دو ملت در برنامه‌های خود مخاطب مشترک دارند و نباید مانعی بر سرانجام برنامه‌های فرهنگی باشد.

البته تا جایی که می‌دانم در حوزه هنری فعالیت‌هایی دارید.

از سالیان بسیار دور حوزه هنری همیشه امکان و فضای کار را به ما داده است. هر چند حالا کمک‌ها کمتر شده، اما توجه‌ها هنوز هم هست. به یاد دارم اوایل دهه ۶۰ مجموعه بی‌نظیری از شعر و خاطرات شاعران افغانستانی در حوزه هنری مشهد منتشر شد و کمک و همراهی محمدحسین جعفریان را هم داشتیم. اما بعد روند کار کند شد. در حوزه هنری مرکز در تهران هم مجلاتی چون در دری، روایت و... حمایت و منتشر می‌شدند، اما از زمانی که جمعی از مهاجران فرهنگی افغانستان از ایران رفتند و دل به غربت دوباره سپردند متأسفانه مجلات تعطیل شد، اما حوزه هنری هنوز هم حامی ماست و جلسات مداوم هم در تهران هم در مشهد برای آموزش

شعر و داستان بطور رایگان برگزار می‌شود.

طبیعتا هر کشوری در امر مهاجر پذیری ترجیح می‌دهد فرهیختگان و اهالی هنر و قلم را بپذیرد. به نظر شما اگر فضای فعالیت فرهنگی در ایران برای مهاجران افغانستانی باتر بود، باز هم این فرهیختگان افغانستانی از ایران می‌رفتند؟

بخش عمده‌ای از دلایل مهاجرت افغانستانی‌های فرهنگی از ایران به وضعیت اقتصادی برمی‌گردد. زمانی که من توان رفیع نیازمندی‌های روزانه‌ام را نداشته باشم طبعاً راهی دیار دیگری

می‌شوم. در آغاز کار، فرهنگیان با دل و عاشقانه فعالیت می‌کردند، اما در آن زمان می‌شد با کار دل زندگی کرد و حداقل درآمد کفاف زندگی را می‌داد، اما در این سال‌ها چنین اتفاقی نمی‌افتد و برخی ناگزیرند بروند. اما می‌توانم بگویم اگر جلسه‌ما با آقای قمی قبل تر اتفاق می‌افتاد، ما در عرصه فرهنگ و هنر و ادبیات مشترک خود پنجره‌های روشن‌تر و بیشتری می‌داشتیم. ایرانی‌ها هم ادبیات و فرهنگ افغانستانی‌ها را بیشتر و بهتر می‌شناختند. کاش محدودیت‌ها نبودند و آنها که کوچ کردند هم می‌ماندند... آنهايي که رفتند هم همیشه با حسرت به روزهای دوره‌می ایران با فرهنگیان ایران یاد می‌کنند.

شما هم طبعاً سختی‌هایی داشته و دارید. نمی‌خواهید از ایران بروید؟

من شخصاً انتخاب اول و آخرم ایران است. هر وقت به هر دلیلی بخواهند رد کنند، برمی‌گردم افغانستان. فرصت بسیار داشتم که از ایران بروم اما به‌واسطه ملاحظات فکری‌ام هرگز این کار را نمی‌کنم. حتی اگر به فرض فرش قرمز هم برایم بپهن کنند، نمی‌روم. چون معتقدم اگر بروم دچار ایستایی می‌شوم. خیلی‌ها را دیدم که رفتند و شرایط اقتصادی و شغلی بهتری را تجربه کردند، آزادی‌های بیشتری داشتند، اما از نظر ادبی دچار ایستایی شدند.



مهاجران در حوزه فعالیت‌های مذهبی، هنری و ادبی بیان کردیم. بسیار خوشحال هستیم که سازمان تبلیغات قصد دارد با یک برنامه‌ریزی جدی و مشخص وارد مسائل فرهنگی مهاجران شود، جامعه هدف سامان تبلیغات اسلامی همیشه دربردارنده مردم ایران بوده و مهاجران افغانستانی در این جامعه هدف قرار نمی‌گرفتند و این اولین بار است که چنین اتفاقی رخ می‌دهد. امیدواریم این دیدارها ادامه پیدا کند و نتیجه هم‌اندیشی‌ها اتفاقات خوبی باشد که وضعیت فرهنگی مهاجران را هم ارتقا ببخشد. با نگاه مثبتی که آقای قمی داشتند ما بسیار امیدواریم و پیشنهادات مان را هم با ایشان مطرح کردیم. به این امید که این نشست‌ها ادامه پیدا کند و اتفاقات خوبی رخ دهد.

صورت مشخص و با یک برنامه‌ریزی جدی پیش برود و همواره از دو ناحیه دچار مشکل بوده است. اول این که تنگناهای اقتصادی کار را دشوار می‌کند، چون برگزارکنندگان از بودجه همگانی استفاده نکرده و شرایط مالی برایشان دشواری ایجاد می‌کند. نکته دوم هم این که فعالیت‌های مهاجران همیشه با تنگناهای قانونی روبه‌رو بوده و همین موضوع دست و پاال مهاجران را برای فعالیت‌هایی که حتی خودشان هم می‌خواهند در آن سرمایه‌گذاری کنند می‌بندد.

روز یکشنبه بنده و جمعی از مهاجران اهل فرهنگ و هنر با آقای قمی رئیس سازمان تبلیغات اسلامی دیدار داشتیم و این موارد را به علاوه نیازهای

امیدواری به آینده فرهنگی مهاجران

در ایران حدود سه میلیون نفر مهاجر افغانستانی زندگی می‌کنند. مهاجرانی که طبعاً مانند همه افراد نیازهای فرهنگی دارند که پرداختن به آنها می‌تواند شرایط زندگی را هم برای آنها و هم کشور میزبان بهبود بخشیده و امکان زیست به مراتب ساده‌تر و باکیفیت‌تری را برای جامعه فراهم کند. این نیازهای مهاجران افغانستانی در ایران هیچ وقت نتوانسته به



محمدکاظم کاظمی
شاعر افغانستانی